

به مناسبت چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ شمسی؛ سالروز تاجگذاری رضاخان

ظهور و سقوط یک دیکتاتور + عکس

۲۶ خرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۹:۱۴

موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ایران در قرن بیستم، این کشور را به کانون بازی بزرگ قدرتهای قرن بیستم از جمله انگلستان و روسیه تبدیل نموده بود و کشف منابع عظیم نفتی در اوایل قرن بیستم به این وضعیت خاص ژئوپلیتیکی دامن زد و قدرتهای استعماری مذکور با اتخاذ طیفی از سیاستهای رقابتی تا همکاری جویانه سعی در غارت و چپاول منابع ملی ایران را داشتند.

جوان و تاریخ- خط زمان



موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ایران در قرن بیستم، این کشور را به کانون بازی بزرگ قدرتهای قرن بیستم از جمله انگلستان و روسیه تبدیل نموده بود و کشف منابع عظیم نفتی در اوایل قرن بیستم به این وضعیت خاص ژئوپلیتیکی دامن زد و قدرتهای استعماری مذکور با اتخاذ طیفی از سیاستهای رقابتی تا همکاری جویانه سعی در غارت و چپاول منابع ملی ایران را داشتند. انگلستان به دنبال ایجاد حاشیه امنیتی برای تامین امنیت مستعمره هند و روسیه نیز بنا به وصیت پتر کبیر به دنبال دسترسی به آبهای آزاد از طریق جغرافیای سیاسی ایران بود. لذا هر یک از قدرتهای مذکور با اتخاذ سیاست ایجاد و افزایش حوزه نفوذ؛ حوادث سیاهی در تاریخ معاصر ایران رقم زدند که اوج آن تقسیم ایران به مناطق نفوذ در نتیجه قرارداد ۱۹۰۷ بین انگلیس و روسیه و نهایتاً اشغال ایران در جریان جنگ جهانی دوم در سوم شهریور ۱۳۲۰ بود. نگاهی به تاریخ معاصر ایران گویای یک واقعیت اساسی است و آن نقش حساس و پیچیده امپراطوری بریتانیا در برهه هایی از تحولات سیاسی و اجتماعی ایران می باشد. این نقش شوم انگلیس در کوتای سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضاخان میرپنج و در نتیجه شروع دوران سیاه استبداد رضاخانی بیشتر خود را نشان می دهد؛ کودتایی که نهضت مشروطیت را ناکام گذاشت و مانند تیر خلاصی بر پیکر نیمه جان انقلاب مردمی ایران بود. اگر این کودتا را نقطه عطفی در این فرآیند محسوب کنیم از این روست که ماهیت نظام سیاسی ایران را در بعد وابستگی به استعمار غرب

دگرگون می کند. در آستانه کودتا، رجال سیاسی وابسته به غرب حضور دارند و نفوذ کانونهای استعماری در شئون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران بسیار زیاد است؛ ولی نظام سیاسی ایران یک نظام صد در صد وابسته نیست و از استقلال نسبی برخوردار است. در حقیقت نظام سیاسی ایران در ماهیت خود، یک نظام سنتی مستقل است. اما وقوع کودتا، سازمان سیاسی ایران را به سمت استقرار یک نظام کاملاً وابسته به استعمار، یک نظام دست نشانده از آن نوع که در عرف جامعه شناسی سیاسی «نظام عروسکی» خوانده می شود، پیش می برد. بعد دیگری که نقش و اهمیت کودتای ۱۲۹۹ را به عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران آشکار می سازد، دگرگونی ساختارسیاسی حاکم بر ایران از زاویه تمرکز قدرت دولتی و تکوین استبداد سیاسی از نوع استبداد رضاخانی است که طی آن تمامی آرمانها و آرزوهای مردم ایران در نهضت مشروطیت، یک شبه نابود شد.



۲۴ اسفند ۱۲۵۵ شمسی / تولد رضاخان ::

رضا، فرزند عباسعلی از ایل پالانی در ۲۴ اسفند ۱۲۵۵ هجری شمسی در روستای آلاشت از توابع سواد کوه مازندران متولد شد. پدر رضا، معروف به داداش بیگ و یکی از افسران قوای قزاق بود و مادرش نوش آفرین نیز از مهاجران گرجستانی محسوب می شد. بعد از درگذشت پدر رضاخان، مادر رضاخان به دلیل اختلافات خانوادگی با خانواده شوهر خود به تهران مهاجرت کرد. رضا دوران کودکی و نوجوانی خود را زیر نظر دایی اش - که خیاط قزاقخانه بود - سپری کرد. از این زمان بود که مقدمات ورود رضا به بریگارد قزاق فراهم شد. دایی رضا، در پیوستن وی به نیروی قزاق نقش بسزایی داشت.

۱۲۶۹ شمسی / استخدام در بریگارد قزاق

با توصیه دایی، رضا از سن ۱۴ سالگی به استخدام بریگارد مرکزی قزاق درآمد. در ابتدای خدمت رضا در قزاقخانه به کارهایی خدماتی و پیش افتاده گمارده شد. رضا در اوایل خدمت خود حقوقی از قزاقخانه دریافت نمی کرد و در ازای خوراک و پوشاک؛ کار می کرد. رضا از همان ابتدا به ماموریت‌های نظامی و آموزشی قزاقها علاقه وافری داشت و در اغلب تمرینهای آموزشی قزاقها شرکت می کرد. رضا علاقه زیادی به فوج سواره نظام نیروی قزاق داشت و در زمان غیبت یکی از اعضای سواره نظام همواره به جای آنها انجام وظیفه می کرد. به دلیل اندام قوی و درشت رضا، افسران مافوق رضا تصمیم گرفتند که وی را به فوج آتشبار منتقل نمایند.



۱۲۷۵ شمسی / اعزام به ماموریت اراک

رضا برای اینکه مدارج ترقی و پیشرفت را در نیروی قزاق به سرعت طی نماید و از طرف دیگر شایستگیها و لیاقت خود را اثبات نماید؛ در سن ۲۰ سالگی از تهران خارج شد و به پایگاه مرکزی نیروی قزاق در اراک منتقل شد. رضا در طول خدمت خود ماهانه هفت تومان مواجب داشت .

۱۲۷۷ شمسی / انتقال به فوج سواد کوه مازندران

رضاخان بعد از بازگشت از ماموریت اراک، به دلیل انتقال ابوالقاسم بیک دایی رضاخان به سواد کوه مازندران، به این شهر انتقال پیدا نمود. رضاخان در دوران خدمت خود، خوی استبدادی و خشن خود را نشان داد و به دلیل بنیه قوی و اندام درشت خود، با خیلی از همکاران خود درگیر می شد. در این زمان فرماندهی فوج سوادکوه به نصرالله خان برادر ناتنی پدر رضاخان سپرده شد. نصرالله خان به دلیل اختلافات خانوادگی، کینه رضاخان را به دل گرفت و به دلیل شکایتهای مکرر قزاقها از اقدامات رضاخان، دستور داد تا سرحد مرگ رضا را شلاق بزنند. با وساطت ابوالقاسم بیک، رضا از دشمنی نصرالله خان نجات پیدا کرد و مجبور شد از فوج سواد کوه منتقل و به بریگارد مرکزی قزاق مراجعت نمود.



۱۲۷۹ شمسی / ظهور رضا شصت تیر و رضا ماکسیم

رضاخان در این سال به سرگروهانی محافظین بانک استقرای روسیه در مشهد و پس از چندی به وکیل‌باشی گروهان شصت تیر منصوب شد. این گروهان نخستین گروهان شصت‌تیرانداز در ایران بود که در محاصره شهر تبریز نیز در دوران استبداد صغیر مشارکت داشت. در واقع این سمت رضاخان، نخستین منصب رضا در قزاقخانه، بود که بعدها به فرماندهی آن رسید و به «رضا خان شصت تیر» شهرت یافت. عبدالحسین میرزا فرمانفرما - که از شاهزادگان بنام و قدرتمند قاجاری بود - به او توجه تمام نشان داد و مسؤولیت اسلحه جدیدش - مسلسل ماکسیم - را به او سپرد. از این رو، رضا خان در میان خانواده فرمانفرما، «رضا ماکسیم» نیز نام گرفت.

۱۲۸۳ شمسی / ترقی رضاخان در بریگارد مرکزی قزاق

در سال ۱۲۸۳ شمسی، سرهنگ چرنوزوبوف به جای کاساکوفسکی به فرماندهی قزاق منصوب گردید. رضا خان در دوران فرماندهی چرنوزوبوف به دلیل نوسازی ساختار نیروی قزاق، ترقی و پیشرفت نمود. وقتی سرهنگ چرنوزوبوف تشکیلات جدید قزاقخانه را پیاده کرد، عده زیادی از ایرانی‌ها درجه افسری گرفتند که از آن جمله رضا خان بود که از درجه معین‌نایی به درجه نایی ترقی کرد و مامور کار در گرگان شد.



۱۲۸۳ شمسی / ازدواج رضاخان

رضا خان در سن ۲۷ سالگی با دختری به نام تاجماه ازدواج کرد . همسر رضاخان هنگام زایمان دخترش از دنیا رفت.

۱۲۸۴ / تبعید به فریمان

بعد از فتح تهران توسط مشروطه خواهان و صدور حکم تبعید عین الدوله به فریمان، رضاخان به همراه گروه محافظین ، به فریمان اعزام شد. رضاخان نزد عین الدوله تقرب یافت و به آموختن خواندن و نوشتن پرداخت.



۱۲۸۸ شمسی / شرکت فعال در سرکوب شورشها و قیامهای محلی

رضاخان در سال ۱۲۸۸ شمسی، همراه با سواران بختیاری و ارامنه برای خواباندن شورشها و قیامهای محلی به زنجان و اردبیل اعزام شد و در جنگ با قوای ارشدالدوله از خود رشادت نشان داد. سپس با درجه یآوری به فرماندهی دسته تیرانداز و در سال ۱۲۹۷ خورشیدی به فرماندهی آتریاد (تیپ) همدان منصوب شد.



«برزاکوچک با دو تن از همراهانش اسمائیل جنگلی و سید حبیب‌الله خان مدنی»

۱۲۹۹ شمسی / مشارکت در سرکوب نهضت جنگل

در سال ۱۲۹۹ خورشیدی برای شرکت در سرکوبی قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی به گیلان اعزام شد. با سرکوب نهضت جنگل رضاخان بیش از پیش مورد توجه مقامات دولتی و برخی قدرتهای خارجی نظیر انگلستان قرار گرفت. از این پس ما شاهد ملاقاتهای مکرر ژنرال آیرون ساید نماینده دولت انگلیس در شمال ایران با رضاخان هستیم. آیرون ساید در تمامی ملاقاتهای خود رضاخان را



سوم اسفند ۱۲۹۹ / ورود کودتاچیان به تهران

در شب سوم اسفند ۱۲۹۹ کودتاچیان وارد تهران شده و نقاط حساس شهر را به اشغال خود درآوردند. با فتح تهران حکومت به دست کودتاچیان افتاد. فردای همان روز سید ضیاءالدین طیبایبی به عنوان نخست وزیر رسماً زمام امور را در دست گرفت. پست حساس وزارت جنگ با اندکی کشمکش در اختیار رضاخان سردار سپه قرار گرفت و فرمان هشت ماده ای من حکم می کنم را جهت برقراری نظم و امنیت در تهران ابلاغ نمود.

۱۳۰۱ شمسی / تمرکز وزارت جنگ و امور دفاعی و اقتصادی در دست رضاخان

در دوره چهارم مجلس شورای ملی، رضاخان که در مقام وزارت جنگ قرار داشت، تلاش نمود امور دفاعی و اقتصادی را هم به دست بگیرد. مدرس در دوازدهم مهر ۱۳۰۱، در جلسه ۱۴۸ دوره چهارم مجلس، نطقی علیه رضاخان ایراد کرد و بر برکناری او تاکید نمود. طرح موهوم جمهوری خواهی نیرنگ دیگر رضاخان بود که مدرس آن را ضد استقلال و هویت ایران و رهاورد تصمیم انگلستان برای تمرکز قدرت در شخص رضاخان خواند و در جهت نابود آتش گام برداشت. سرانجام گروهی از نمایندگان وابسته، با خدعه، مدرس را به بهانه آشتی با رضاخان در منزل قوام السلطنه نگاه داشتند و در غیاب وی، سردار سپه با ۹۲ رای مثبت مجلسیان، قدرت را به دست گرفت.



چهارم آبان ماه ۱۳۰۲ شمسی / خروج احمدشاه قاجار از ایران و ریاست الوزاری رضاخان

اقدام احمد شاه برای مسافرت به اروپا، زمینه ریاست وزاری برای رضاخان را آماده کرد. رضاخان سردار سپه، که از این پس هیچ گونه مقام و قدرتی را مانع پیشرفت خود نمی دید، با اتخاذ ترفندهای خاص و با استفاده از موقعیت اجتماعی و سیاسی موجود، تحت حمایت قدرتهای خارجی نظیر انگلیس و یاریگری اطرافیان خود، پله پله نردبان ترقی را پیمود.

نهم آبان ماه ۱۳۰۴ شمسی / رای مجلس به خلع سلطنت احمدشاه قاجار ::

نمایندگان مجلس پنجم شورای ملی تحت فشارها و اعمال نفوذ نخست وزیر، رضاخان، در روز ۹ آبان ۱۳۰۴ شمسی ماده واحدهای را در مجلس مطرح کردند که به موجب آن احمد شاه از سلطنت خلع شد و حکومت موقت «در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی» سپرده شد و تعیین تکلیف حکومت قطعی به مجلس مؤسسان واگذار شد.

۲۱ آذر ۱۳۰۴ شمسی / ادای سوگند رضاخان در مجلس شورای ملی::

با فراهم شدن مقدمات تشکیل مجلس موسسان، در ۲۱ آذر ۱۳۰۴، سلطنت ایران به «علیحضرت رضا پهلوی» واگذار شد. رضاشاه پهلوی در مجلس شورای ملی حاضر شد و با ادای سوگند به قرآن رسماً به عنوان سردودمان پهلوی وظایف سلطنت را به عهده گرفت و به حکمرانی قاجاریه پایان داد و مقام سلطنت را به دست آورد.



۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ / تاجگذاری رسمی رضا پهلوی::

مراسم تاج‌گذاری رضاشاه در ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ انجام شد و به صورت رسمی دوران سلطنت ۵۷ ساله پهلویها بر ایران آغاز شد. در این دوران ایان تحولات پر و فراز و نشیبی را پشت سر گذاشت. اخلاق تندروانه و دیکتاتوری، ضدیت و ستیز پهلوی اول با فرهنگ اسلامی و روحانیت، ترور مدرس، ضرب و شتم شیخ محمدتقی بافقی در حرم حضرت معصومه (س)، اجباری کردن خدمت سربازی، در اجباری شدن استفاده از کلاه پهلوی و لباس متحدالشکل فرنگی، ماجرای کشف حجاب و تصرف اوقاف و عدلیه از سوی کارگزاران رژیم، همگی تحولاتی بودند که در ۱۶ سال سلطنت رضاخان اتفاق افتاده بودند. استبداد رضاخانی نه تنها مخالفان را به دام زندان و کام مرگ انداخته بلکه به اطرفیان نزدیک خود نیز رحم نکرد؛ کسانی چون داور، تیمورتاش، فروغی و ...



۱۶ آذر ۱۳۱۱ شمسی / لغو نمایشی قرارداد داری:

لغو نمایشی امتیاز نفتی داری به دست رضاشاه، اقدام دیگر وی جهت فریب افکار عمومی بود. رضاخان در شب ۱۶ آذر ۱۳۱۱ پس از اینکه از کاهش حق السهم ایران بابت عایدات نفت ایران اطلاع پیدا نمود در جلسه هیئت وزیران، سند قرارداد داری به آتش پرتاب کرد و به صورت یک طرفه این عهدنامه را ملغی اعلام کرد. بعدها با اعمال نفوذ انگلیس قرارداد دیگری در راستای تاراج نفت ایران امضاء شد.

ششم دی ماه ۱۳۰۷ شمسی / قانون متحدالشکل نمودن البسه::

رضاخان برای فراهم ساختن زمینه های فکری و روحی لازم جهت نهادینه کردن پروژه کشف حجاب، جامعه، در ششم دی ماه ۱۳۰۷ قانون متحدالشکل نمودن البسه را تصویب کرد که بر اساس آن، پوشیدن کت و شلوار و کراوات و کلاه فرنگی برای مردان، الزامی شد.

۱۳۱۳ شمسی / سفر به ترکیه و سوغات فرنگی کشف حجاب

در سال ۱۳۱۳ رضا خان در اولین و آخرین سفر خارجی خود، عازم ترکیه شد و با مشاهده تغییراتی که ترکیه به رهبری آتاتورک در جهت غربی کردن جامعه مسلمان ترکیه اجرا کرده بود، تحت تاثیر قرار گرفته و شدیدتر از گذشته در راستای اسلام زدایی و بویژه حجاب زدایی گام برداشت. در بهمن ۱۳۱۳، در افتتاح دانشگاه تهران، به دختران دستور دادند که بدون حجاب به تحصیل مشغول شوند. اقدامات رضاخان در این جهت، واکنش و مخالفت های زیادی از سوی مردم به رهبری روحانیت را سبب شد. از جمله مهمترین آنها می توان به سرکوب قیام مسجد گوهرشاد و کشتار مردم مظلوم اشاره کرد.



۱۷ دی ۱۳۱۴ شمسی/ابلاغ رسمی قانون کشف حجاب::

حدود شش ماه پس از فاجعه مسجد گوهرشاد، رضا خان با نادیده گرفتن جامعه مذهبی ایران، در روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ در جشن فارغ التحصیلی دانشسرای مقدماتی دختران در تهران، قانون کشف حجاب زنان را به طور آشکار و رسمی اعلام کرد و خود به اتفاق همسر و دخترانش که بدون حجاب بودند، در این جشن که به ابتکار علی اصغر حکمت، وزیر معارف و فراموسونر معروف تشکیل گردید، شرکت و سخنرانی کرد.



سوم شهریور ۱۳۲۰ / تهاجم متفقین به ایران در جریان جنگ جهانی دوم::

ارتش متفقین علی رغم اعلام بی طرفی ایران در جنگ، به بهانه حضور آلمانها در ایران و حمایت دولت ایران از آلمان، تمامیت ارضی ایران را نقض کردند. در بامداد روز ۳ شهریور سال ۱۳۲۰، سفیران کشور انگلیس و شوروی طی یادداشت‌های جداگانه‌ای، اعلام کردند که ارتش‌های کشورهای متبوعشان وارد خاک ایران شده‌اند. رضا شاه دچار هراس شد و برای حفظ ظاهر، ستاد جنگی تشکیل داد.



۴ شهریور ۱۳۲۰ / صدور اعلامیه مقاومت در برابر متجاوزین::

ستاد جنگ رضاخان، در روز ۴ شهریور، اولین و آخرین اعلامیه جنگی خود را که در آن از مردم خواسته شده بود در مقابل قوای متجاوز ایستادگی کنند، منتشر کرد.



۵ شهریور ۱۳۲۰ / روی کارآمدن مجدد فروغی به قدرت::

روز ۵ شهریور ماه، دولت منصور استعفا کرد و فروغی با پشت گرمی و هدایت انگلیسی ها مأمور تشکیل کابینه شد.

۶ شهریور ۱۳۲۰ / صدور اعلامیه ترک مقاومت رضاخان::

روز ۶ شهریور دولت به عنوان پیروی از نیت صلح جویانه اعلیحضرت! دستور ترک مقاومت نیروهای نظامی را صادر کرد.

۲۴ شهریور ۱۳۲۰ شمسی / وداع با تاج و تخت سلطنت::

رضاخان ناراحت از اتفاقات پیش آمده؛ آخرین جلسه هیأت دولت را تشکیل داد و اعلام کرد که کشور را به مقصد نامعلومی ترک خواهد کرد. آخرین جمله شاه به وزیران این بود که «راز موفقیت من این بوده که هرگز با هیچ کس مشورت نمی کردم و خود کارها را مطالعه می کردم»

در ساعت ۸ بامداد ۲۵ شهریور، تانکها و زره‌پوش‌های روسی اطراف فرودگاه مهرآباد مستقر شدند و ساعتی بعد نیروهای انگلیسی که از قم به طرف تهران به راه افتاده بودند، به راه آهن رسیدند



۲۶ شهریور ۱۳۲۰ / ادای سوگند ولیعهد محمد رضا پهلوی::

روز ۲۶ شهریور در حالی که تهران در اشغال نظامیان روس و انگلیس قرار داشت، محمد رضا پهلوی جانشین جوان رضا شاه در مجلس سوگند یاد کرد. در اصفهان نیز رضا شاه به اتفاق خانواده به سوی نائین و یزد حرکت کرد. آنها سپس به کرمان و از آنجا به بندر عباس رفتند.



۸ مهر ۱۳۲۰ / تبعید دیکتاتور::

روز هشتم مهر رضاخان و گروه مسافران که ۲۰ نفر از جمله ۷ پیشخدمت و آشپز بودند، با کشتی انگلیسی «باندرا»، ایران را به سوی بمبئی ترک کردند. رضاخان بعد از هفت ماه اقامت در جزیره موریس، در نهایت با تلاشهای محمدرضا به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی منتقل شد و تا آخر عمر در آنجا اقامت گزید.



۴ مرداد ۱۳۲۳ شمسی / سقوط دیکتاتور::

رضاخان پهلوی، ساعت ۵ بامداد روز ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۴ (۴ مرداد ۱۳۲۳)، بر اثر یک حمله قلبی درگذشت.



محمد رضا

پهلوی بر سر قبر رضاخان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/19295/عکس-دیکتاتور-یک-سقوط-ظهور/19295>